

بررسی و مقایسه روابط خانوادگی دانش‌آموزان موفق و ناموفق در تحصیل

Examining and Comparing the Family Relation of Successful and Unsuccessful Freshman Students

Z. Ghanbarpour Alem, M.A. ✉

K. Farahbkhsh, Ph.D.

M. Esmaeli, Ph.D.

✉ ضرغام قنبرپورعالم

کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی

دکتر کیومرث فرح‌بخش

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

دکتر معصومه اسمعیلی

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

دریافت مقاله: ۹۰/۱۰/۶

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۱/۳/۲۲

پذیرش مقاله: ۹۱/۷/۲

Abstract

It is obvious, most of population of our country consists of teenagers & youth and success of this large group in near future, strongly depends on their official & institutional education. Meanwhile all know that the issue of children's success is the main and inseparable concern of families and education authorities of each country. Most experts in the area of education regard relation of family members as an important factor for student' education achievements.

✉ Corresponding author: Tehran, Malard, Hsabi St, Golzar St, Nilofar Building, 6 Unit
Tel: +9809197754787
Email: zghanbarpor@yahoo.com

چکیده:

غالب جمعیت کشور ما را نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دهند و موفقیت این گروه بزرگ در آینده نه چندان دور، به شدت وابسته به تحصیلات رسمی و آموزشگاهی آنان دارد. همگان نیز بر این امر واقف‌اند که موفقیت فرزندان دغدغه جداناپذیر خانواده‌ها و متولیان تعلیم و تربیت هر کشوری است. قریب به اتفاق متخصصین حوزه تعلیم و تربیت، روابط حاکم بر خانواده‌ها را از عوامل عمده افت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌دانند.

✉ نویسنده مسئول: تهران، ملارد، خ حسابی، خ گلزار، س نیلوفر، واحد ۶

تلفن: ۰۹۱۹۷۷۵۴۷۸۷

پست الکترونیکی: zghanbarpor@yahoo.com

Also many people and groups have taken the issue into consideration. However, this old ulcer has lead families to the edge of destruction and disappointed parent and teachers from continuing their valuable path.

Objective of this study is achieving core variable drawn up from the data gathered in the area of "family relations which affect success and failure of the students' education." For this purpose 32 participants (16 mother & 16 students) were selected from first grade students of Shahriar Town's High Schools, through directed & theoretic sampling up to data saturation by means of semi-structured deep interviews, with the grounded theory method. Then the data were analyzed by the method suggested by Strauss & Corbin consisting of coding (open, pivotal & optional), and total 98 primary code and 56 final primary codes were achieved from the interviewed people. At the next stages of the analysis, a main variable named "communication" was achieved. The term "communication" was selected for naming this core variable because it could convey considerable diversities derived from the data.

Findings show that "family relations affecting success & failure of the students' education" are composed of multilayer & complicated factors. Finally the results indicated that relations of family members, responsible behavior of the parents toward their children, relations & interaction of the spouses with each other all & all affect students' educational success & failure. The results are specific for this group and its generalization should be considered by caution.

Keywords: Grounded Theory, Core Variable, Family Relation, Coding, successful & unsuccessful students.

همچنین افراد و گروه‌های کثیری به این مهم پرداخته‌اند، اما همچنان این زخم کهنه، گاه خانواده‌ها را تا مرز اضمحلال پیش برده و والدین و مربیان را در مسیر خطیر خود مأیوس کرده است. پژوهش حاضر با هدف رسیدن به (طبقه مرکزی) حاصل از داده‌ها در مورد «روابط خانوادگی تأثیرگذار بر موفقیت و شکست تحصیلی دانش‌آموزان» انجام گرفت. برای این منظور، ۳۲ مشارکت‌کننده و ۱۶ دانش‌آموز سال اول متوسطه دبیرستان‌های شهر شهریار، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و تئوریک تا اشباع داده‌ها و از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته، به روش پیشنهادی Strauss و Corbin که مشتمل بر کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) است، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند، در مجموع ۹۸ و در نهایت ۵۶ کد اولیه از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان بدست آمده و در مراحل بعدی تجزیه و تحلیل، طبقه‌ای اصلی به نام «ارتباط» بدست آمده است. انتخاب واژه «ارتباط» به‌عنوان طبقه مرکزی به این دلیل بود که می‌توانست بخش قابل توجهی از گوناگونی‌های بدست آمده از داده‌ها را تبیین نماید. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان دادند که روابط خانوادگی تأثیرگذار بر موفقیت و شکست تحصیلی دانش‌آموزان، عواملی چندگانه و درهم تنیده‌اند، در نهایت نتایج نشان دادند، روابط اعضای خانواده با هم، رفتار مسئولانه والدین نسبت به فرزندان، روابط و تعامل زوجین با یکدیگر در توفیق و شکست تحصیلی دانش‌آموزان تأثیرگذار است. نتایج مختص این گروه است و تعمیم آن‌ها به سایر گروه‌ها باید با احتیاط صورت‌پذیرد.

کلیدواژه‌ها: گراند تئوری، طبقه مرکزی، روابط خانوادگی، کدگذاری، دانش‌آموزان موفق و ناموفق.

مقدمه

در تعلیم و تربیت، موفقیت به میزانی از کارآیی گفته می‌شود که فرد فراخور توانایی‌های خود به رضایت ناشی از پیشرفت دست یابد و اغلب دانش‌آموزانی را موفق می‌دانند که در اغلب دروس، پیشرفت داشته باشند یا بتوان چنین چیزی را در مورد آنان پیش‌بینی نمود (قاضی، ۱۳۸۷). سندرز، (۲۰۰۸) یکی از مهم‌ترین موفقیت‌ها را، موفقیت تحصیلی می‌دانند و معتقدند عوامل متعددی در خانواده وجود دارند که هر کدام به‌نحوی بر فرایند تحول و رشد فرزندان اثرگذارند. هم‌چنین، روابط موجود در خانواده، میزان همبستگی فرزندان و اولیا را از جمله متغیرهای موثر در موفقیت تحصیلی فرزندان می‌دانند، (سامانی، ۱۳۸۱) نیز معتقدند بسیاری از پیشرفت‌ها، به‌خصوص موفقیت در تحصیل از خانواده سرچشمه می‌گیرند، از طرفی، مشکلات رفتاری و تحصیلی فرزندان نیز ریشه در خانواده دارند (نظری، ۱۳۸۹). آنچه در این سیستم با اهمیت است و خانواده‌ها را از جنبه‌های مختلف دچار تنش می‌کند، فقدان روابط صمیمانه و اطمینان‌بخش والدین با فرزندان و دیگر اعضای خانواده است (محمدخانی، ۱۳۸۸). هم‌چنین، مطالعات (گلدشتاین، بیکر و جامیسون^۱، ۱۹۸۰؛ راتر^۲، ۱۹۸۰؛ به‌نقل از ماسن^۳ و همکاران، ترجمه؛ یاسایی، ۱۳۸۳)، مربوط به روابط والدین و فرزندان در خانواده‌های نابسامان نشان می‌دهند که والدین و فرزندان قادر به برقراری ارتباط مؤثر و سازنده با یکدیگر نبودند، (شولتز و شولتز^۴، ترجمه؛ سیدمحمدی، ۱۳۸۳) و اصولاً دانش‌آموزانی که در جهت موفقیت برانگیخته می‌شوند مایلند از شکست اجتناب کنند. ریم^۵ (بی‌تا ترجمه؛ آزادمنش، ۱۳۸۲) بیان می‌کند که شکست تحصیلی بر دانش‌آموز و کل اعضای خانواده او اثرگذار است، در نتیجه، این مشکل مرتباً تقویت می‌شود و تا وقتی کسی یا چیزی به عمد یا ناخواسته دست به کار معکوس کردن چرخه منفی آن نکند، این فرایند به رشد خود ادامه خواهند داد. لذا، از نظر آموزشی اهمیت خانواده فقط محدود به ایجاد شرایط اقتصادی مناسب برای فرزندان نمی‌گردد، بلکه ضروری است والدین علاقه و توجه جدی توأم با خردورزی نسبت به تحصیل فرزندان خود داشته باشند، چون چنین توجهی ارتباط مثبت و مستقیم با پیشرفت تحصیلی فرزندان دارد (فونتانا^۶ (بی‌تا) ترجمه؛ حقگو، ۱۳۸۴). واقعیت این است که بدون وجود والدینی وظیفه‌شناس و پیگیر که مقدار زیادی از وقت خود را صرف ارتباط و تعامل صحیح با فرزندان خویش کنند، موفقیت تحصیلی میسر نخواهد شد. چرا که اگر افراد مهر و محبت والدین خود را حس نکنند، الگوهای تعلیم و تربیت، آنان را به موفقیت نزدیک نخواهند کرد (چاپمن و چاپمن^۷ (بی‌تا) ترجمه؛ موحد، ۱۳۸۴).

آنچه از مطالعه متون بدست آمده، نشان می‌دهد که اشخاص و گروه‌ها، هر کدام بنابر ذوق خویش، برای شناخت عوامل توفیق و شکست تحصیلی دانش‌آموزان کمر همت بسته و نظرات متعدد و درخور توجهی در این وادی عرضه کرده‌اند. چنانچه برخی پژوهشگران (تورکام، کیزیلتاس، بیک و یمینسی، ۲۰۰۵ و دیرینگ، ۲۰۰۹) معتقدند، موفقیت و شکست تحصیلی به عوامل خانوادگی

بستگی دارند و برخی نیز (فوس‌چتو، ۲۰۰۳؛ بذرافکن، ۱۳۸۶ و بیابانگرد، ۱۳۸۷) معتقد به تأثیر عوامل فردی در شکل‌گیری موفقیت و شکست تحصیلی افراد هستند. برخی دیگر، حمایت خانواده (هووارت و فیشر^۸ (بی‌تا) ترجمه؛ به‌پژو و هاشمی‌رزینی، ۱۳۸۸ و سندرز، ۲۰۰۸؛ به‌نقل از ابوالحسنی، ۱۳۸۹)، تعامل والدین (گلاسر^۹ و گلاسر (بی‌تا) ترجمه؛ خوش‌نیت‌نیکو و برازنده، ۱۳۸۹؛ برنشتاین و برنشتاین^{۱۰}، ۱۹۷۷ به‌نقل از هالفورد^{۱۱}، ترجمه؛ تبریزی و همکاران، ۱۳۸۷)، امیدواری و یأس والدین (علیزاده و سجادی، ۱۳۸۹؛ لیندن‌فیلد^{۱۲} (بی‌تا) ترجمه؛ زکالوند، ۱۳۸۶، درایکورس^{۱۳} و شولتز (بی‌تا) ترجمه؛ توتونچیان، ۱۳۸۶)، داشتن ارتباط کلامی والدین با فرزندان (ایونز^{۱۴} (بی‌تا) ترجمه؛ فرجی، ۱۳۷۹؛ مک‌گراو^{۱۵} (بی‌تا) و فونتانا، ۱۳۸۴)، نظارت و کنترل بر فرزندان (شریعتمداری، ۱۳۸۵؛ بیابانگرد، ۱۳۸۷ و کاپلان^{۱۶} (بی‌تا) ترجمه؛ فیروزبخت، ۱۳۸۶ و دورنباخ، ریتز، لیرمن و رابرت، ۱۹۸۸)، تشویق و تنبیه فرزندان (ترن‌بول و ترن‌بول (بی‌تا) ترجمه؛ شریفی‌درآمدی، حجازی، فلاح و عضدالملکی، ۱۳۸۸؛ سانتراک^{۱۷}، ترجمه؛ سعیدی، عراقچی و دانش‌فر، ۱۳۸۷؛ درایکورس و شولتز^{۱۸} (بی‌تا) ترجمه؛ توتونچیان، ۱۳۸۸؛ فارل و میک، ۲۰۰۴)، انتظارات والدین (شریعتمداری، ۱۳۸۵؛ ایلینگورث^{۱۹}، ۱۳۷۱؛ ریم (بی‌تا) ترجمه؛ آزادمنش، ۱۳۸۲)، ناامنی محیط خانه (بیابانگرد، ۱۳۸۷ و موسوی، ۱۳۸۸)، وضعیت اقتصادی خانواده (ناتریلو و همکاران، ۱۹۹۰؛ بیابانگرد، ۱۳۸۷ و ترن‌بول (بی‌تا)، قواعد خانواده و ارتباط با فرزندان (گلدنبرگ و گلدنبرگ^{۲۰}، ۲۰۰۰، ترجمه؛ حسین‌شاهی - برواتی و همکاران، ۱۳۸۷؛ مک‌گراو (بی‌تا)، مشارکت والدین در امورخانه و تحصیل فرزندان (ترن‌بول (بی‌تا) ترجمه؛ تبریزی و همکاران، ۱۳۸۷ و ریم (بی‌تا)) و ارتباط والدین با آموزشگاه (برک^{۲۱}، ترجمه؛ سیدمحمدی، ۱۳۸۸ و بیابانگرد، ۱۳۸۷) را از عوامل محیطی اثرگذار در موفقیت و شکست تحصیلی می‌دانند. در این بین کسانی نیز هستند که، انگیزه (موسوی، ۱۳۸۸؛ بذرافکن، ۱۳۸۶ و شولتز و شولتز، ترجمه؛ سیدمحمدی، ۱۳۸۳)، هدف و عمل (خیرا^{۲۲} (بی‌تا) ترجمه؛ حسینی نسب و همکاران، ۱۳۸۸؛ شامانی و عباسیان، ۱۳۸۲؛ تریسی^{۲۳}، ۲۰۰۱، ترجمه؛ میرزایی، ۱۳۸۷)، عزت‌نفس (شولتز و شولتز، ۱۳۸۳، ترجمه؛ سیدمحمدی، ۱۳۸۸؛ بیابانگرد، ۱۳۸۷)، ترس (رابینز^{۲۴} (بی‌تا) ترجمه؛ جعفری‌نمینی، ۱۳۸۰ و موسوی، ۱۳۸۸)، ارزش‌ها (ترن‌بول (بی‌تا)) و خودنظمی (خیرا، ترجمه؛ حسینی‌نسب و همکاران، ۱۳۸۸؛ بیابانگرد، ۱۳۸۷؛ سانتراک، ۱۳۸۷ و تریسی، ۲۰۰۱، ترجمه؛ میرزایی، ۱۳۸۷) را که جزو عوامل فردی و شخصی هستند در توفیق و شکست تحصیلی مؤثر می‌دانند.

در تشتت‌آرا صاحب‌نظران، در مورد فاکتورهای موفقیت و شکست تحصیلی مصمم شدیم، نقش و تأثیر روابط خانوادگی را بیشتر بررسی نماییم، چون با نگاهی به گذشته درمی‌یابیم که، همواره خانواده نقش مهم و هستی‌بخشی در رشد فرزندان داشته و یکی از مهم‌ترین محیط‌های مؤثر بر سلامت جسمی و روانی افراد به‌شمار رفته است (نظری، ۱۳۸۹). از دیدگاه جامعه‌شناختی نیز

خانواده اولین گروه اجتماعی است که افراد به عضویت آن درمی‌آیند و حساس‌ترین مراحل توفیق یا شکست را در آن طی می‌کنند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۰، ترجمه؛ حسین‌شاهی‌برواتی و همکاران، ۱۳۸۷). همچنین، حتی تغییرات کوچک در خانواده، بر تبلور ساختار شخصیت افراد و زندگی تحصیلی آن‌ها اثرگذار است (تورکام، کیزیلتاس، بیک و یمینسی، ۲۰۰۵). طبق نظریه برتالنفی^{۲۵}، واضع «نظریه سیستم‌ها» خانواده یک کل است که اجزاء آن را می‌سازند، گلدنبرگ و گلدنبرگ، (۲۰۰۰)، نیز معتقدند خانواده محیطی است که زوجین و فرزندان در آن با یکدیگر تعامل و ارتباط تنگاتنگ دارند. بنابراین، وقتی فضای آن آشفته شود، نه تنها اعضا در آن احساس ناراحتی می‌کنند، بلکه فرزندان در حوزه‌های متعدد، به‌ویژه از نظر تحصیلی، آسیب جدی می‌بینند (موسوی، ۱۳۸۸).

با توجه به مطالب بیان شده، می‌توان گفت خانواده‌ها نقش مهم و اساسی در موفقیت و شکست تحصیلی دانش‌آموزان دارند (بیابانگرد، ۱۳۸۷). از آن‌جا که امروزه موفقیت تحصیلی فرزندان به عنوان یکی از مهم‌ترین فاکتورهای ارزیابی فرد به‌کار می‌روند و هر ساله درصد قابل توجهی از دانش‌آموزان دوره متوسطه، به‌خصوص سال اولی‌ها با افت و کاهش عملکرد تحصیلی روبه‌رو هستند و آمار منتشره از منطقه مورد مطالعه، افت تحصیلی را در پایه اول متوسطه ۲۹ درصد اعلام کرده بودند (آ، پ، شهریار، گزارش مقایسه عملکرد تحصیلی دیماه، ۱۳۸۹)، در نهایت این سوال برای محقق پیش‌آمد که، روابط خانوادگی تأثیرگذار بر موفقیت و شکست تحصیلی دانش‌آموزان سال اول متوسطه کدامند؟

روش

در این پژوهش از رویکرد گراند تئوری^{۲۶} - که روشی کیفی^{۲۷} است - استفاده شده است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه، شامل کلیه دانش‌آموزان موفق و ناموفق سال اول متوسطه دبیرستان‌های شهریار، در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ و مادران آن‌ها بود. همچنین از دو روش نمونه‌گیری هدفمند^{۲۸} (موارد حاشیه‌ای: در آن نمونه‌ها از میان کسانی انتخاب می‌شوند که از لحاظ خاصی با افراد معمول و عادی متفاوت هستند) و نظری^{۲۹} برای دستیابی به اطلاعات دقیق‌تر، استفاده شده است. برای این منظور، تمام دانش‌آموزان سال اول متوسطه آموزشگاه شهید رحمانی شهریار که در ترم اول (دی‌ماه سال تحصیلی ۸۹-۸۸) معدل کتبی دروس آن‌ها در سطح A (معدل ۲۰، ۱۹، و ۱۸) و کسانی که در سطح E (معدل زیر ۱۰) قرار داشتند انتخاب شده‌اند. پژوهش از طریق مصاحبه با مشارکت‌کنندگان^{۳۰} (۱۶ دانش‌آموز و ۱۶ مادر) به تفکیک (جمعاً ۳۲ مصاحبه) انجام گرفته است. از این میان (۸ مادر با ۸

دانش‌آموز موفق‌شان) و (۸ مادر با ۸ دانش‌آموز ناموفق‌شان) که ملاک‌های لازم برای ورود به پژوهش را داشتند، انتخاب شده‌اند. همه مشارکت‌کنندگان دانش‌آموز سال اول (عمومی) دبیرستان مذکور بوده، دامنه سنی آنان ۱۳ تا ۱۵ سال و میانگین سنی ۱۴ سال داشتند. داده‌ها نیز از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته^{۳۱} با مشارکت‌کنندگان با تعدادی سوال باز و کلی درباره موضوع، با زبان فارسی رسمی، در اتاق مشاوره آموزشگاه به صورت مصاحبه رودررو^{۳۲} و انعکاس محتوای گفته‌ها و احساسات مشارکت‌کنندگان (فقط یک‌بار، میانگین مصاحبه با دانش‌آموزان ۳۰ دقیقه و مادران ۴۰ دقیقه) به دست آمده است.

روش تحلیل داده‌ها

از آن‌جا که روش پژوهش گراند تئوری بود و در این شیوه پژوهشی، نمونه‌گیری تا اشباع^{۳۳} داده‌ها استمرار دارند، لذا، پس از انجام هر مصاحبه و انتقال آن به رایانه و گوش‌دادن به صدای ضبط شده مشارکت‌کنندگان، نوشتن سطر به سطر گفته‌های آن‌ها انجام پذیرفت. سپس، به هر جمله یا عبارت یک کد اختصاص یافت، گاه به یک خط چند کد و در برخی موارد به چند خط، یک کد اختصاص یافته، داده‌ها به روش پیشنهادی استرواس و کوربین که مشتمل بر کدگذاری (باز، محوری و انتخابی^{۳۴}) است، تجزیه و تحلیل شدند. از کل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، در مجموع ۹۸ و در نهایت ۵۶ کد اولیه به دست آمد. انتخاب کدها نیز به دو طریق صورت گرفته است، استفاده عینی از واژه‌ها و عباراتی که، مشارکت‌کنندگان به کار برده بودند و استنباط محقق از مفاهیم و کلمات مشارکت‌کنندگان. پس از آن که کدهای اولیه مشخص شدند، مقایسه کدها آغاز گردید تا تفاوت‌ها و شباهت‌ها تعیین شوند. فرایند مقایسه منتج به این گردید تا کدهای مشابه، تحت عنوان یک طبقه کلی و انتزاعی‌تر درآیند، این روند در طول انجام مصاحبه‌های بعدی سرمشق قرار گرفته است. در مراحل بعدی تجزیه و تحلیل داده‌ها، یک طبقه اصلی به نام «ارتباط^{۳۵}» در مصاحبه با مشارکت‌کنندگان بدست آمده است. انتخاب «ارتباط» به عنوان متغیر مرکزی (طبقه مرکزی) به این دلیل بود که این طبقه می‌توانست بخش قابل توجهی از گوناگونی‌های حاصل از داده‌ها را تبیین نماید.

یافته‌ها

جدول ۱-۱ طبقه اصلی و زیر طبقات حاصل از مصاحبه با دانش‌آموزان را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱-۱): طبقه اصلی و زیرطبقات حاصل از مصاحبه با دانش‌آموزان

طبقه اصلی	زیرطبقه	ویژگی زیرطبقه	تفاوت دو گروه	شباهت دو گروه
تعامل اعضا	تعامل اعضا	روابط با همشیره‌ها	روابط همشیره‌ها، در گروه موفق براساس خدمت و گذشت بود، ولی در گروه ناموفق، براساس قدرت و سلطه، گاه درگیری فیزیکی.	در دو گروه، تنش بین همشیره‌ها وجود داشته است.
		اختلاف نظر با والدین	گروه موفق، در اختلاف نظر با والدین، حرف آنان را لحاظ نمودند، در حالی که گروه ناموفق، به‌نحوی از انحاء، حرف والدین را نپذیرفتند.	در هر دو گروه، کم و بیش بین فرزندان و اولیاء اختلاف نظر وجود داشته است.
		نقش فرزندان در بحث والدین	گروه موفق، حتی در زمان ناراحتی والدین از یکدیگر، اطمینان داشتند، مشکلی پیش نخواهد آمد و تنش موقتی است، در حالی که گروه ناموفق، به‌صورت مختلف بین والدین دخالت نموده تا اختلاف اوج نگیرد، در نتیجه احساس آرامش و امنیت روانی کمتری داشتند.	اجتناب ناپذیری بحث و ناراحتی بین والدین در دو گروه.
		تبعیض	والدین گروه موفق، در جریان بگومگویی فرزندان، سعی در مصالحه داشتند و تفاوت- آشکاری بین آنان قایل نشدند، ولی والدین گروه ناموفق، از یکی طرفداری کردند.	اجتناب ناپذیر بودن بحث بین فرزندان و لزوم دخالت حداقل یکی از والدین.
		مقایسه	والدین موفق، فرزند خود را با فرزند دیگران مقایسه نکردند و تصور مثبتی از فرزند خود را به او انتقال دادند، والدین گروه ناموفق، مرتب فرزند خود را با فرزند دیگران به- خصوص فرزند اقوام و نزدیکان مقایسه نموده و تحقیر و سرزنش کردند.	-
		تشویق و تنبیه	گروه موفق، در تشویق فرزندان خود، از تشویق‌های کلامی استفاده کردند و بددهنی نکردند، ولی گروه ناموفق، در تشویق فرزندان به وسایل و ابزار تکیه کردند، در تنبیه نیز به بددهنی پرداختند.	هر دو گروه، از تشویق و تنبیه برای ایجاد و حذف رفتار استفاده کردند.
		اطمینان به فرزندان	والدین گروه موفق، در صورت دیر به منزل آمدن فرزندان و توضیح بچه‌ها قانع می‌شدند و به آنان اعتماد داشتند، ولی گروه ناموفق، چنین نبودند.	هر دو گروه، از دیر آمدن فرزندان خود دلواپس بودند.
		تصور و ادراک والد از فرزند	والدین گروه موفق تصویری مثبت، باهوش، منظم و پرتلاش از فرزندان خود داشتند، اما والدین گروه ناموفق، تصویری منفی، ساده‌لوح و عصبی از آنان داشتند.	-

جدول ۱-۲ طبقه اصلی و زیرطبقات حاصل از مصاحبه با مادران را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱-۲): طبقه اصلی و زیرطبقات حاصل از مصاحبه با مادران

شبهات دو گروه	تفاوت دو گروه	ویژگی زیرطبقه	زیرطبقه	طبقه اصلی
در هر دو گروه، بیشتر مادران پیگیر وضعیت تحصیلی فرزندان بودند.	مادران گروه موفق، مستقیماً از روند تحصیلی فرزندان خود اطلاع داشتند، پدران نیز مستقیم و غیرمستقیم این پیشرفت را رصد می‌کردند، ولی گروه ناموفق، فقط مادران از نظر تحصیلی پیگیر این وضعیت بوده، در حالی که تلویحاً از آنان قطع امید کرده بودند.	پیگیری درس	رفتار مسئولانه	مسئولیت
هر دو گروه، تمهیداتی برای ایام امتحانات آماده کردند.	والدین گروه موفق در ایام امتحانات، سکوت و آرامش را در منزل به ارمغان آورده و دیدارهای اقوام و آشنایان را با هماهنگی محدود می‌کردند، تلویزیون تحت نظارت روشن بوده، حتی در مورد تغذیه سخن به میان آوردند ولی گروه ناموفق، چنین نبودند.	تمهید ایام امتحان		
در هر دو گروه محور گفتگو والد-فرزند درس بوده است.	گفتگوی والدین موفق با فرزندان سازنده ولی گروه ناموفق نه تنها سازنده نبوده بلکه تخریب کننده بود.	محور گفتگوی والد - فرزند		
هر دو گروه، انتظار پیشرفت تحصیلی از فرزندان خود داشتند.	والدین گروه موفق، انتظار پیشرفت تحصیلی بالایی از فرزندان خود داشتند، ولی گروه ناموفق، انتظار محدودی داشتند.	انتظار پیشرفت تحصیلی		
بیشتر کارهای منزل، برعهده مادران بود و کارهای بیرون را پدران انجام دادند.	والدینی که به فرزندان خود مسئولیت محول کردند و در انجام امور خانه، علاوه بر انتظار کمک، در انجام کارها به فرزند خویش اطمینان کردند، فرزندان موفق داشتند، در حالی که والدین گروه ناموفق، نه تنها به آنان در انجام کارها مسئولیت ندادند، بلکه اطمینان نیز نداشته‌اند.	تقسیم کار		
در هر دو گروه، در تصمیم‌گیری‌ها نقش پدر پررنگ‌تر بود.	والدین گروه موفق، در تصمیم‌گیری‌ها، فرزندان خود را دخالت دادند و بیشتر مشارکتی عمل نمودند، در حالی که گروه ناموفق در تصمیم‌گیری‌ها، فرزندان را مداخله نداده و نقش مادران در این زمینه کم‌رنگ بوده است.	جایگاه اعضا در تصمیم‌گیری		
والدین هر دو گروه، در انتخاب‌های فرزندان نقش داشتند.	والدین گروه موفق، در انتخاب‌ها به نظر فرزند خود اهمیت دادند، ولی گروه ناموفق در چنین مواردی، مستبدانه یا سهل‌انگارانه برخورد کردند.	انتخاب‌ها		

جدول ۲-۲ به طبقه اصلی و زیرطبقات حاصل از مصاحبه با مادران پرداخته است.

جدول شماره (۲-۲): طبقه اصلی و زیرطبقات حاصل از مصاحبه با مادران

شبهات دو گروه	تفاوت دو گروه	ویژگی زیرطبقه	زیر طبقه	طبقه اصلی
هر دو گروه، به وجود مشکلات در زندگی اشاره نمودند.	مادران گروه موفق، از زندگی کنونی خود احساس رضایت داشتند، ولی مادران گروه ناموفق، ناراضی بودند.	آرزوی جدایی	زوجین	روابط
هر دو گروه، مادران از بدقولی و دروغ گفتن همسران تنفر داشتند.	در گروه موفق، پدران نسبت به همسران خود بدقولی نکرده و دروغ نگفتند، در حالی که، در گروه ناموفق، مادران از بدقولی و دروغ گفتن همسران خود صحبت کردند.	بدقولی و دروغ همسران		
در هر دو گروه، اختلاف نظر بین همسران کم و بیش وجود داشته است.	مادران گروه موفق، با همسران خود با تکریم رفتار نمودند و در اختلافات به نفع همسران کنار کشیدند، در مقابل والدین گروه ناموفق، تفاهم کمتری داشتند و دیگری را تحقیر کرده و درک متقابل نداشته‌اند.	پذیرش و احترام		
در هر دو گروه، مشکلات اجتناب‌ناپذیر بوده است.	والدین گروه موفق، مشکلات قابل توجهی نداشتند و در زمان بروز مشکلات، درخانه، خود مسائل را حل کردند و رازداری کاملاً رعایت شده، در گروه ناموفق، والدین رازداری را دریده و در حل مشکلات از دیگران (کسی غیر از اعضای خانواده هسته‌ای) کمک گرفتند.	رازداری و حل مسائل		
مادران دو گروه کم و بیش با همسران اختلاف سلیقه و بحث داشته‌اند.	در گروه موفق، مادران دید مثبتی به همسر خود داشتند و در بگویمگوها- هرچند حق به جانب بودند- مادران کوتاه آمدند، در سلسله- مراتب قدرت، پدر در راس هرم قدرت بود. مادران گروه ناموفق، دید مثبتی نسبت به همسران خود نداشته و در بگویمگوها به کشمکش پرداختند.	تعامل همسران		
هر دو گروه، عصبانیتشان به خاطر بچه‌ها بوده است.	والدین گروه موفق، در زمان حضور همسر و جمع خانواده آرامش داشتند و وقتی بچه‌ها شلوغ کردند احساس ناراحتی کردند، هم‌چنین، مشکلات را با همسران درمیان گذاشتند، ولی گروه ناموفق، وقتی آرامش داشتند که بچه‌ها در خانه حضور نداشتند.	تنش و آرامش		

بحث

موفقیت و شکست تحصیلی دانش‌آموزان، از شاخص‌های مهم نظام‌های آموزشی و دغدغه‌های ذهنی خانواده‌ها است که نه‌تنها سرنوشت تحصیلی و شغلی افراد را رقم می‌زند بلکه در ارزیابی -

هرچند اغراق‌آمیز شخصیتی اشخاص نیز لحاظ می‌گردد. چنان‌چه قبلاً اشاره کردیم، افت تحصیلی در منطقه مورد مطالعه ۲۹٪ گزارش شده بود، دولت نیز هر ساله هزینه‌های اختصاصی زیادی مثلاً، در سال ۱۳۸۸ حدود یک میلیارد تومان از بودجه کشور را در یکصد منطقه آموزش و پرورش، به این مهم اختصاص داده است، در صورتی‌که این هزینه با هزینه بزرگترین طرح‌های عمرانی یا صنعتی کشور برابری می‌کند (به‌نقل از هوشیار فتحی، ۱۳۸۸). گرچه، موفقیت به عوامل بیرونی (محیط) و عوامل درونی (فردی) ارتباط تنگاتنگ دارد، اما توانستیم با تأکید بر عوامل خانوادگی به نتایج زیر دست یابیم.

الف) نتایج بدست آمده مربوط به دانش‌آموزان

روابط با همشیره‌ها: گرچه در دو گروه، بین همشیره‌ها تنش وجود داشته است ولی گروه موفق به پایان مسالمت‌آمیز تنش اشاره کردند و روابط آنان بر اساس خدمت و گذشت بوده در حالی‌که، گروه ناموفق در تقابل با همشیره‌ها، بعضاً به درگیری فیزیکی پرداخته و روابط آنان بر قدرت و سلطه متکی بوده است. برادی^{۳۶} (۱۹۹۸؛ نیوشا، ۱۳۸۴) می‌نویسند، خانواده‌هایی که دانش‌آموز موفق دارند، الگوی کلی روابط همشیره‌ها، بر اساس حل تعارض و درگیری‌ها، توأم با نگرشی یاری‌گرانه و مهربانانه‌تر نسبت به یکدیگر است.

حل اختلاف نظر والد- فرزند: گرچه، در هر دو گروه، کم و بیش بین فرزندان و اولیاء اختلاف‌نظر وجود داشته، ولی گروه موفق در اختلاف‌نظرها با والدین، احساس وظیفه نموده و امر و نهی آنان را پذیرفته‌اند، در حالی‌که، گروه ناموفق به هر نحوی سعی در نپذیرفتن نظر والدین داشتند. نوایی (۱۳۸۴) معتقد است، حتی خانواده‌های منسجم و سالم، در روابط با فرزندان خود، مخصوصاً با فرزند نوجوان مشکلاتی دارند. موسوی (۱۳۸۸) نیز می‌نویسد، فرزندان خانواده‌های ناسالم پا را از حد خود فراتر نهاده و بعضاً تصمیمات خطرناکی نیز می‌گیرند.

نقش فرزندان هنگام ناراحتی والدین: در هر دو گروه، بحث بین والدین اجتناب‌ناپذیر بوده ولی فرزندان گروه موفق، در بحث والدین دخالت نکرده و اطمینان داشتند تنش موقتی است، در نتیجه این گروه احساس امنیت کردند، در حالی‌که، فرزندان گروه ناموفق سعی کردند به صورت فیزیکی یا لفظی بین والدین مصالحه نمایند تا اختلاف اوج نگیرد، لذا، احساس آرامش و امنیت روانی کمتری داشتند. محمدخانی (۱۳۸۸) نیز معتقد است، در خانواده‌هایی که مرزها مبهم و مغشوش یا خشک هستند هر عضو به راحتی وارد حریم خصوصی عضو دیگر می‌شود ولی در خانواده‌های سالم کسی از حد خود تجاوز نمی‌کند.

تبعیض بین فرزندان: والدین گروه موفق، در زمان تنش بین فرزندان و خریده‌ها، بین فرزندان خود تفاوت محسوسی قایل نشدند، در حالی‌که، گروه ناموفق، در چنین مواردی بین فرزندان خود

فرق گذاشتند. برادی (۱۹۹۸؛ به نقل از شرودر و گوردن^{۳۷}، ۱۳۸۵) می‌نویسد، تحقیقات نشان داده‌اند، متعادل نبودن کفه ترازوی حمایت والدین و اختلاف در روابط همشیره‌ها بیش از هر چیز دیگری می‌تواند، بستری برای آموزش پرخاشگری و کاهش افت تحصیلی آنان شود، همچنین نتایج تحقیق با یافته‌های محمدخانی، (۱۳۸۸) همخوانی دارند.

مقایسه فرزندان: والدین گروه موفق، فرزند خود را با دیگری مقایسه نکرده، نقاط قوت فرزند خود را برجسته کردند ولی والدین گروه ناموفق، مرتب فرزند خود را با فرزند دیگران به خصوص فرزند نزدیکان مقایسه کرده و مورد تحقیر و سرزنش قرار داده‌اند و نیمه‌خالی لیوان را به رخ فرزندان خود می‌کشیدند. به‌پژو (۱۳۸۸) معتقد است، فرزندان از مقایسه شدن با دیگران بیزارند، به خصوص وقتی از نظر هوشی مقایسه شوند، همچنین هندرسون و برلا^{۳۸} (۱۹۹۵) به نقل از هوواری و فیشر (بی‌تا)؛ لیکونا، (۱۳۸۴) نیز بیان می‌کنند، مقایسه فرزندان که از توانایی‌های خود استفاده نمی‌کنند با دیگران، برای نوجوان کشنده است و به جای این‌که او را به درس راغب کند، ناامیدی را در قلب ایشان می‌کارد.

تشویق و تنبیه فرزندان: گرچه، والدین هر دو گروه از روش‌های تشویق و تنبیه برای ایجاد و حذف رفتار استفاده کردند، اما والدین گروه موفق، هنگام تشویق فرزندان از تشویق‌های کلامی و واژه‌های مثبت استفاده کردند، در تنبیه نیز بددهنی نکرده‌اند، در مقابل، والدین گروه ناموفق، در تشویق فرزندان بر وسایل و ابزار مادی (مثل؛ کامپیوتر) تکیه کردند و در تنبیه به بددهنی پرداخته‌اند. نوایی (۱۳۸۴) نیز معتقد است، بهتر است والدین از عبارات تشویقی استفاده نمایند. همچنین موسوی (۱۳۸۸) می‌نویسند، پذیرش و تشویق کلامی فرزندان در جمع روش مناسبی در جهت پیشرفت تحصیلی آنان است. نیوشا (۱۳۸۴) معتقد است، دانش‌آموزان موفق، از طرف والدین مورد تشویق قرار گرفته‌اند.

اطمینان به فرزندان: والدین گروه موفق، به فرزندان خود اعتماد و اطمینان داشتند، و در صورت توضیح در مورد مسئله‌ای برای اثبات درست یا نادرست بودن آن به فرزند خود اعتماد کردند، در حالی‌که، والدین گروه ناموفق در چنین شرایطی به فرزند خود اعتماد نداشتند (نیوشا، ۱۳۸۴) نیز معتقدند، والدین دارای دانش‌آموز موفق، در اغلب موارد هر دو نسبت به فرزند خود اعتماد و اطمینان داشتند.

تصور و ادراک والد از فرزند: والدین گروه موفق تصویری مثبت، باهوش، منظم و پرتلاش از فرزندان خود داشته، در حالی‌که، والدین گروه ناموفق، تصویری منفی، ساده‌لوح و عصبی از فرزندان خود داشتند. ماسن و همکاران (۱۳۸۳) نیز بیان می‌کنند، ادراک والدین از توانایی فرزندان‌شان، در احساس کارآیی تحصیلی آنان تأثیر مستقیم دارد، همچنین، استنباط والدین از توانایی‌های فرزندان مستقیماً در اعتماد به نفس و میزان پیشرفت تحصیلی آنان تأثیرگذار است.

۱) نتایج بدست آمده مربوط به مادران

پیگیری درس و تحصیل فرزندان: در گروه موفق، مادران مرتب با مدرسه ارتباط داشتند، پدران نیز مستقیم و غیرمستقیم این پیشرفت را رصد می‌کردند. در گروه ناموفق، پدران هیچ نقشی در پیگیری درس فرزندان نداشته و مادران در صورت الزام اولیا مدرسه، با آموزشگاه ارتباط داشتند. هندرسون و برلا (۱۹۹۵؛ به نقل از هوواری و فیشر، ۱۳۸۶) نیز معتقدند، دخالت مثبت والدین و مشارکت آنان در پیگیری وضعیت تحصیلی فرزندان، در توانمندی تحصیلی آنان مفید است.

تمهیدات ایام امتحان: والدین گروه موفق، در این ایام از نظر تغذیه، سکوت و آرامش، به فرزندان بیشتر اهمیت داده، تلویزیون کمتر روشن می‌کردند، اما در گروه ناموفق، مادران بحثی از تلویزیون، روشن یا خاموش بودن آن و تغذیه به ذهن‌شان نیامده یا عادی وانمود شده است بیابانگرد (۱۳۸۷) می‌نویسد، والدین هنگام امتحانات باید از طرح مسائل متفرقه مورد علاقه دانش‌آموز، خودداری کرده و از تماشای فیلم‌ها و سریال‌های مورد علاقه خود صرف‌نظر کنند.

محور گفتگوی والد - فرزند: مادران دو گروه، محور گفتگو با فرزندشان درس و مطالعه بوده، با این تفاوت که والدین گروه موفق با فرزندان خویش در سطح کلامی گفتگو و تعامل مناسبی داشتند، ولی گفتگوی والدین گروه ناموفق، نه‌تنها سازنده نبوده بلکه با آزار کلامی توأم بوده است، هم‌چنین در گروه موفق، پدران فرزند خود را راهنمایی نمودند. بیابانگرد (۱۳۸۷) می‌نویسد، والدین مؤثر، مقداری از وقت خود را به فرزندان اختصاص می‌دهند و در فعالیت‌هایی مثل پیاده‌روی و صحبت در مورد مسائل مربوط به آنان، همراهی می‌کردند. برنز (۲۰۰۶) نیز معتقد است، والدینی که با فرزندان خود تبادل کلامی دارند، فرزندان موفق‌تری در تحصیل دارند. نوابی (۱۳۸۴) نیز بیان می‌کند، دانش‌آموزان ناموفق رابطه نزدیک و صمیمی با پدر را غالباً تجربه نکرده‌اند.

انتظار پیشرفت از فرزند: والدین گروه موفق، از فرزندان خود انتظار پیشرفت تحصیلی، حتی در مقاطع تحصیلی بالاتر داشته، در حالی که، والدین گروه ناموفق، انتظار پیشرفت محدودی (اخذ دیپلم) از فرزندان داشتند، بنابراین، گروهی موفق بودند که والدین انتظار پیشرفت تحصیلی بیشتری از آنان داشتند. نتایج مطالعات هایدوک^{۳۹}، (۱۹۸۷)؛ تامپسون^{۴۰} و همکاران، ۱۹۹۸؛ به نقل از کاترینا، والکر و ساتر^{۴۱}، (۲۰۰۲) با یافته‌های نیوشا (۱۳۸۴) که بیان می‌کند، اگر انتظار والدین از فرزندان پایین باشد، برای پیشرفت تلاش جدی نخواهند کرد با این تحقیق همخوانی دارند.

تقسیم کار: والدینی که در کارهای منزل به فرزندان خود مسئولیت محول کرده و در انجام کارها به فرزندان خود اطمینان داشتند، فرزندان‌شان موفق بودند. در حالی که، والدین گروه ناموفق، نه‌تنها به فرزندان در انجام کارها مسئولیت ندادند بلکه به آنان اطمینان نداشتند. محمدخانی (۱۳۸۹) نیز معتقد است، در خانواده‌هایی که ایفای نقش به‌درستی انجام می‌شود، هر کس مسئولیت یا

وظایفی دارد، اما در خانواده‌های ناسازگار نقش‌ها تقسیم نشده و برخی از اعضا از زیربار مسئولیت شانه خالی می‌کنند.

جایگاه اعضا در تصمیم‌گیری‌ها: در گروه موفق، والدین با همسر و فرزندان خود در تصمیم‌گیری‌ها مشورت کرده، در حالی‌که، والدین گروه ناموفق در تصمیم‌گیری‌ها، فرزندان را مداخله ندادند. موسوی (۱۳۸۸) و محمدخانی (۱۳۸۸) معتقدند، خانواده‌هایی که مرزهای مشخص دارند و این‌که چه کسانی قوانین‌خانه را وضع و تصمیمات را عملیاتی می‌کنند، کاملاً روشن است فرزندان موفق‌تری دارند. نیوشا (۱۳۸۴) نیز می‌نویسد، مشورت در تصمیم‌گیری والدین دارای فرزند موفق، بیشتر از والدین دارای فرزند ناموفق است.

انتخاب‌ها و دوستان فرزند: گروه موفق، دوستان معدودی داشتند، ساعات محدودی با آنان بودند، ولی گروه ناموفق، ساعات نامحدودی به دوستان اختصاص داده و دوستان زیادی داشتند، والدین گروه موفق، در انتخاب دوستان فرزند خود و رفت و آمدهای آنان نظارت داشتند، ولی والدین گروه ناموفق، سعی در کنترل یا عدم کنترل فرزندان داشتند، هم‌چنین والدین گروه موفق، در انتخاب‌ها مثل؛ خرید لباس، انتخاب رشته تحصیلی سال آینده به نظر فرزندان خود اهمیت فراوان داده، در مقابل، والدین گروه ناموفق در انتخاب‌ها، فرزند خود را همراهی نکرده و مستبدانه یا سهل‌انگارانه برخورد می‌کردند. محمدخانی (۱۳۸۸) می‌نویسد، کنترل بیش از حد به اندازه بی‌بندوباری به دانش‌آموز و اعضا خانواده آسیب می‌رساند، هم‌چنین ونسا و همکاران^{۴۲} (۲۰۰۹) معتقدند، عدم نظارت والدین، می‌تواند باعث رفتارهای نامطلوب از جمله، کاهش سطح عملکرد تحصیلی نوجوانان شود. نیوشا (۱۳۸۴) نیز معتقد است، اغلب دانش‌آموزان ناموفق، در انتخاب‌های خود به دوستان متکی‌اند و دوستان زیادی دارند، ولی دوستان گروه موفق محدودند. هم‌چنین او توصیه می‌کند، موثرترین روش کنترل فرزندان، روش غیرمستقیم است، والدینی که به فرزندان فضا می‌دهند، از نظر تحصیلی فرزندان موفق‌تری خواهند داشت.

۲) نتایج بدست آمده مربوط به مادران (روابط زوجین)

آرزوی جدایی: والدین گروه موفق، گرچه زندگی را فارغ از سختی ندانستند، اما از زندگی حال حاضر خود خرسند بودند، در حالی‌که، والدین گروه ناموفق از زندگی کنونی خود رضایت نداشتند. نوایی (۱۳۸۴) می‌نویسد، خانواده‌هایی که والدین در آن دائماً در نزاع هستند، زوجین و معمولاً زن آرزوی طلاق می‌کند، این خانواده‌ها برای رشد و پرورش فرزندانی که در آینده موفق شوند، محل مناسبی نخواهد بود.

دروغ گفتن و بدقولی: مادران گروه موفق، ابراز کردند، همسران‌شان دروغ نگفته و بدقولی نکرده است، ولی گروه ناموفق، مستقیم و غیرمستقیم از بدقولی و دروغ گفتن همسران خود سخن

گفتند، بنابراین، پدرانی که در ارتباط با همسران خود صادق بودند، فرزندان موفق‌تری داشتند. به‌پژو (۱۳۸۸) می‌نویسد، جوهره روابط سالم میان زن و شوهر صداقت است، زن و مردی که با هم صادق نیستند، با رفتار خود کانون گرم خانواده را دچار تزلزل کرده و گاهی اوقات نیز پنهان کردن حقایق موجب می‌شود، فرزندان نیز در اطلاع از وضعیت تحصیلی خود به والدین دروغ بگویند در نتیجه، عملکرد ضعیفی خواهند داشت.

احترام متقابل و پذیرش همدیگر: گرچه در هر دو گروه، بین والدین کم و بیش اختلاف نظر وجود داشته، اما والدینی که درک و احترام متقابل داشتند و مادر در اختلافات به‌نفع پدر کنار گرفته، فرزندان موفق‌تری داشتند، در حالی که، والدین گروه ناموفق، احترام و درک متقابل نداشته و در اختلافات سعی کردند حرف خود را بر کرسی بنشانند. نوایی (۱۳۸۴) می‌نویسد، مطالعات زیادی نشان دادند خانواده‌هایی که در آن‌ها والدین دائماً با همدیگر نزاع و بحث دارند، محل مناسبی برای رشد و پرورش تحصیلی فرزندان نخواهد بود.

رازداری و حل مسائل: گرچه، در هر دو گروه، وجود مشکلات اجتناب‌ناپذیر بوده، اما والدین گروه موفق، مشکلات قابل توجهی نداشتند و در زمان بروز مشکلات، اعضا با هم‌فکری به حل مسائل پرداختند، هم‌چنین، رازداری کاملاً رعایت شده است، از طرفی والدین گروه ناموفق، رازداری را دیدند. محمدخانی (۱۳۸۸) می‌نویسد، در خانواده‌هایی که مرزها مشخص و انعطاف‌پذیرند، این عامل سبب می‌گردد که معلوم شود چه کسانی باید از موضوعات خانواده با خبر شوند، هم‌چنین به‌پژو (۱۳۸۸) بیان می‌کند، والدین موفق، خطاهای یکدیگر را در حضور دوستان، آشنایان و بستگان بازگو نمی‌کنند.

تعامل همسران: والدین گروه موفق، دیدی مثبت و احترام‌آمیز، نسبت به همسران خود داشته، در تنش‌ها بیشتر پدران به ایرادگیری می‌پرداختند، هم‌چنین مادران - هرچند گاهی حق به‌جانب بودند - کوتاه آمده و در سلسله مراتب قدرت، پدر در رأس هرم قرار داشت، در حالی که در گروه ناموفق، مادران دید مثبتی نسبت به همسران خود نداشته، مادران بحث را شروع کرده و در بگومگوها کوتاه نیامدند، می‌توان گفت سلسله مراتب قدرت در این خانواده‌ها دچار تغییر شده است. سامانی (۱۳۸۱) نیز طبق یافته‌های خود معتقد است، روابط موجود بین والدین، در موفقیت تحصیلی فرزندان مؤثر است. حکیم‌فر (۱۳۸۳) نیز روابط صحیح والدین با یکدیگر و با فرزندان را در یادگیری و پیشرفت تحصیلی اثربخش می‌داند. در نهایت گلدنبرگ و گلدنبرگ (۲۰۰۰) معتقدند، خانواده نیز مانند هر نهادی دارای سلسله مراتبی است، که عدم رعایت آن سلسله مراتب مشکلاتی را موجب می‌شود.

احساس تنش و آرامش: والدین گروه موفق، وقتی احساس آرامش کردند که همسران‌شان در خانه حضور داشتند، وقتی بچه‌ها شلوغ کردند احساس تنش داشتند، هم‌چنین مشکلات را با

همسران در میان گذاشتند، ولی گروه ناموفق، وقتی احساس آرامش کردند که بچه‌ها در منزل حضور نداشته و در بیان مشکلات با همسران راحت نبودند. موسوی (۱۳۸۸) نیز معتقد است، والدینی که وقت کافی را برای با هم بودن اختصاص می‌دهند و به هم‌دیگر گوش می‌دهند، به فرزندان کمک می‌کنند تا به موفقیت تحصیلی نزدیک‌تر شوند.

در کل، یافته‌ها نشان دادند، خانواده‌هایی که بر فرزندان خود نظارت کردند نه کنترل، هم‌چنین از آنان انتظار پیشرفت داشتند، ارتباط کلامی با فرزندان خود برقرار نمودند، مرزها و قواعد خانوادگی مشخص ولی قابل انعطافی داشتند، والدینی که آرزوهای بلندپروازانه تحصیلی و شغلی برای فرزندان خود در ذهن داشتند و این انتظار را به فرزندان خود انتقال دادند، روابط منصفانه‌ای با همسر و فرزندان خود داشتند، در کارها و تصمیم‌گیری‌ها، مشارکتی عمل کردند، پذیرش و احترام متقابل زوجین در خانه‌سازی بوده، نه‌تنها مادران از نظر جسمی و روانی سالم بودند، بلکه این جو بر کل خانواده حاکم بوده و از نظر تحصیلی، فرزندان موفق‌تری داشتند.

گرچه، سعی کردیم مشارکت‌کنندگان در این پژوهش از نظر برخی متغیرها مثل سن، جنس و پایه تحصیلی همگن باشند، اما با توجه به حجم نمونه در پژوهش‌های کیفی ممکن است نتوانسته باشیم، نمونه‌ای که معرف جامعه باشد، ارائه دهیم.

پی‌نوشت‌ها

1. Goldstein, M. Baker, B & Jamison, K
2. Rater
3. Mussen, P.H
4. Schultz, D & Schultz, S.E
5. Rimm, S
6. Fontana, D
7. Chapman, G. D & chapman, D
8. Howarth & Fisher
9. Glasser, C
10. Bornestein, P.H & Bornestein, M.T
11. Halford, w. K
12. Lindenfield, G
13. Dreikurs, R
14. Evans, P
15. M c graw, P.c
16. Caplan, S.M
17. Santrock, J.W
18. Soltz, V
19. Alengoarth
20. Goldenberg, I & Goldenberg,H
21. Berg, L
22. Khera, S
23. Tracy, B
24. Robbins, A
25. Bertalanfy, L
26. Grounded Theory
27. Qualitative method
28. Purposeful
29. Theoretical
30. Participant
31. Formal semistructured intervive
32. Face to Face
33. Saturation
34. Open, Axial, Selective
35. Relationship
36. Bradley,S.J
37. Sheroder, K & Gourden,B.N
38. Henderson & Berla
39. Haiduk
40. Thompson
41. Walker, T. & Satter, w
42. Vanessa, R & et al

منابع

- آموزش و پرورش شهرستان شه‌ریار (۱۳۸۹). مقایسه درصد رشد یا افت آموزشگاه‌های متوسطه شهرستان شه‌ریار (گزارش تحقیق). با ارائه معرفی‌نامه کتبی ا‌زدانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
- ابوالحسنی، م. (۱۳۸۹). بررسی مقایسه‌ای استعاره‌های موفقیت بین سه گروه رتبه‌های برتر، متوسط و پذیرفته‌نشده‌گان آزمون سراسری ۱۳۸۹ - ۱۳۸۸. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- ایلینگورث، رونالد. اس (۱۳۷۱). کودک و مدرسه (ترجمه ش. نوایی‌نژاد، چاپ سوم). تهران: انتشارات رشد.
- ایوانز، پ. (۱۳۷۹). زخم زبان (ترجمه م. فرجی). تهران: انتشارات ایدون.
- بذرافکن، ر. (۱۳۸۶). نقش عمل به احکام دینی در میزان رضایت شغلی کارکنان دانشگاه علامه طباطبایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- برگ، ل. (۱۳۸۸). روان‌شناسی رشد: از نوجوانی تا پایان زندگی (ترجمه ی. سیدمحمدی، جلد دوم، چاپ دوازدهم). تهران: نشر ارسباران.
- بیابانگرد، ا. (۱۳۸۷). روش‌های پیشگیری از افت تحصیلی (چاپ ششم). تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- تریسی، ب. (۱۳۸۴). فرمول نایب‌ها (ترجمه م. ر. آل‌یاسین، چاپ دوم). تهران: انتشارات هامون.
- تریسی، ب. (۱۳۸۷). قوریانه را قورت بده (ترجمه ع. ر. میرزایی، چاپ هشتم). تهران: نشر سلسله مهر.
- ترن‌بول، آ.، ترن‌بول، ر. و سوداک، ال. (۱۳۸۸). خانواده‌ها، متخصصان و کودکان/استثنایی (ترجمه پ. شریفی درآمدی، م. حجازی، م. ح. فلاح و س. عضدالملکی). تهران: انتشارات فراروان.
- چاپمن، گ. و چاپمن، د. (۱۳۸۴). پنج نشانه خانواده سرشار از عشق (ترجمه س. موحد، چاپ دوم). تهران: انتشارات ویدا.
- حکیم‌فر، ع. (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین جو عاطفی خانواده‌های برون‌گرا، روان‌نژند، روان‌پریش و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه اول دبیرستان‌های شهر اهواز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- خیرا، ش. (۱۳۸۸). شما هم می‌توانید موفق باشید (ترجمه س. د. حسینی‌نسب، ا. سلیمان‌نژاد، ر. بدری‌گرگری، ش. واحدی و ج. مصرآبادی، چاپ چهارم). تهران: انتشارات ورا‌ی‌دانش.
- درایکورس، ر. و شولتز، و. (۱۳۸۸). روش‌های نوین رفتار با کودک (ترجمه م. توتونچیان، چاپ دوم). تهران: انتشارات ثامن‌الائمه.
- ریم، س. (۱۳۸۲). وقتی که فرزندان باهوش نمره‌های کم می‌گیرند (ترجمه ن. آزادمنش). تهران: انتشارات صابرین (کتاب‌های دانه).
- سامانی، س. (۱۳۸۱). مدل علی برای همبستگی خانوادگی، استقلال عاطفی و سازگاری. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه شیراز، شیراز.
- سانتراک، ج. دلبیو. (۱۳۸۷). روان‌شناسی تربیتی (ترجمه ش. سعیدی، م. عراقچی و ح. دانش‌فر). تهران: انتشارات رسا.
- شریعتمداری، ع. (۱۳۸۵). روان‌شناسی تربیتی (چاپ پنجم). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شولتز، د. و شولتز، س. ا. (۱۳۸۳). نظریه‌های شخصیت (ترجمه ی. سیدمحمدی، چاپ پنجم). تهران: نشر ویرایش.
- علیزاده، ح. و سجادی، ح. (۱۳۸۹). روابط مسئولانه و احترام متقابل. تهران: نشر دانژه.
- فونتانا، د. (۱۳۸۴). روان‌شناسی برای معلم (ترجمه ع. ح‌ق‌گو). تهران: انتشارات شباهنگ.
- قاضی، ق. (۱۳۸۷). زمینه مشاوره و راهنمایی (چاپ‌دهم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاپلان، پ. اس. (۱۳۸۶). سفر پر ماجرای کودک: روان‌شناسی رشد (ترجمه م. فیروزبخت). تهران: انتشارات موسسه خدمات فرهنگی رسا.

- گلاس، و. و کلاس، ک. (۱۳۸۹). *ازدواج بدون شکست* (ترجمه س. خوش‌نیت‌نیکو و ه. برازنده، چاپ چهارم). تهران: انتشارات فرا انگیزش.
- گلدنبرگ، ا. و گلدنبرگ، ه. (۱۳۸۷). *خانواده‌درمانی* (ترجمه ح. حسین شاه‌ی پرواتی، س. نقشبندی، و ا. ارجمند، چاپ چهارم). تهران: نشر روان.
- لیکونا، ت. (۱۳۸۴). *روان‌شناسی رشد* (ترجمه م. قراچه‌داغی، چاپ هفتم). تهران: نشر دایره/خاتون.
- لیندن، ف. گ. (۱۳۸۶). *تبدیل شکست‌ها به موفقیت* (ترجمه ن. زکالوند، چاپ دوم). تهران: انتشارات جوانه رشد.
- محمدخانی، پ. (۱۳۸۸). *آشفستگی‌ها در روابط زوجی و راه‌های افزایش رضایت زناشویی*. تهران: نشر قطره.
- مک‌گ، ف. (دکتر فیل) (۱۳۸۸). *روان‌شناسی خانواده‌موفق* (ترجمه م. م. شریعت باقری). تهران: نشر دانژه.
- موسوی، ش. (۱۳۸۸). *پول جیبی*. تهران: نشر قطره.
- موسوی، ش. (۱۳۸۸). *موفقیت‌تحصیلی* (چاپ سوم). تهران: نشر قطره.
- نظری، ع. (۱۳۸۹). *مبانی زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی* (چاپ ششم). تهران: نشر علم.
- نوابی، م. (۱۳۸۴). *از دبستان تا دانشگاه*. تهران: انتشارات سروا.
- نیوشا، ب. (۱۳۸۴). *تیزهوشان ناموفق*. تهران: انتشارات زهد.
- هوارث، ر. و فیشر، پ. (۱۳۸۸). *ازدواج موفق و خانواده‌ی سالم* (ترجمه ا. به‌پژوه). تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- هوشیارفتی، م. (۱۳۸۸). *شناسایی عوامل آموزشی مؤثر بر اکت تحصیلی دانش‌آموزان پسر شاخه کاردانش شهرستان سنج*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

- Berns, R. M. (2006). *Child, family, school, community*. U. S. A.: Belmont Publisher.
- Dearing, E. (2009). *Boston College; High-quality Child care leads to academic success for low-income kids* <http://www.eurekalert.org/pub-releases>.
- Dornbusch, S. M., Ritter, P. L., Leiderman, P. H., Roberts, D. F., & Fraleigh, M. J. (1988). The relation of parenting style to adolescent school performance. *Child Development, 65*, 754-770.
- Farrel, D., & Mike, L. (2004). *10 tips every dad should knew to be successful father*. <http://www.headandneck.com.au/>
- Fuschetto, R. (2003). Factors influencing the dropout rate of migrant students in Indiana. *Ball State University*. Retrieved from <http://cardinalsolar.bsu.edu/handle/handle/176283>.
- Katrina, L., Walker, T., & Satter, W. (2002). *Academic performance among African – American and Caucasian college students: Is the family still important?* "http://www.Look" <http://www.Look Smart. Com/ Parenting Styles> .
- Natriello, G., Mc Dill, E. L., & Pallas, A. M. (1990). *Schooling disadvantaged children: Racing against catastrophe*. New York: Teachers College Press.
- Sanders, A. (2008). *Rekindling success. Education periodical*. Retrieved from www.acteonline.org.
- Turkum, A. S., Kiltas, A., Biyik, N., & Yemenici, B. (2005). The investigation of university student perceptions about family functioning. *International Review, 5(1)*, 253-262.
- Vanessa, R., Wight, J., Suzanne, M., Bianchi, B., & Hunt, R. (2009). The time use of teenagers. *Journal of Social Science Research, 38*, 792- 809.